

E-ISSN: 2709-9369

P-ISSN: 2709-9350

www.multisubjectjournal.com

IJMT 2020; 2(1): 28-35

Received: 15-12-2019

Accepted: 10-01-2020

بررسی روایات تسنن و تشیع درباره نکاح مؤقت

پوهنیار فضل الرحمن " حقیر " و پوهندوی دکتور احسان الحق " نیازی "

پوهنیار فضل الرحمن
" حقیر "

- آمردیپارتمنت فقه و قانون
دانشکده شرعیات
دانشگاه البیرونی

پوهندوی دکتور احسان الحق
" نیازی "

عضو هیات علمی دانشکده
شرعیات
دانشگاه البیرونی

خلاصه

نکاح مؤقت به نزد اهل تسنن حرام و نزد اهل تشیع حلال است و اختلاف زیاد تر روی روایت و تحلیل حدیث است که در آینده پیشکش شما خواهم کرد.

قبل از اینکه موضوع نکاح مؤقت را مورد بحث قرار دهیم باید سه مطلب اساسی را در رابطه به دو مذهب یعنی شیعه و سنی خوب بدانیم. اول به خوانندگان سنی و شیعه به عرض برسانم این است که وقتی ما به تاریخ اسلام نظر می افکنیم یک واقعیت را در می یابیم و آن این است که شیعه و سنی به شکل گسترده آن بعد از شهادت امام حسین (ع) تبارز کرد نه پیش از آن. خواه مخواه اختلافات فکری در مورد خلافت که کی باید به کرسی خلافت تکیه میزد، موجود بود و اما فقه شیعه و سنی و مذهب به شکل که امروز مطرح است بعد از شهادت امام حسین (ع) عرض اندام کرد نه پیش تر از آن. مطلب دومی که از نگاه اسلام شناسی سیاسی خیلی با اهمیت است و به مطالعات ما ارتباط میگیرد موضوع شهادت امام حسین (ع) است و باید دلایل عمده شهادت آن زعیم بزرگوار را بدانیم. امام حسین (ع) به سه دلیل به شهادت رسید: اول که دین جد خود را که اساس آن عدالت اجتماعی بود، احیا کند زیرا بی عدالتی موج می زد مانند امروز. دوم عدالت سیاسی را که خلفای راشدین که پدرش حضرت علی (ع) هم در آنجمله بود احیا کند و نگذارد تا نظام سیاسی اسلام از مردم سالاری به دست یک خانواده و یا یک قوم انحصار پیدا کند زیرا اشتباه سیاسی بزرگ همین بود که مسیر خلافت یعنی مردم سالاری از نگاه سیاسی به نظام خانوادگی تعلق گرفت. سوم مبارزه امام بر علیه نه تنها فساد سیاسی و اجتماعی بود بلکه به جهانیان آموخت که با یک نظام فاسد بیعت نکنید و همکاری با همچو نظام خلاف عدالت و اخلاق اسلام است. امام ابوحنیفه: یکی از بزرگترین شاگردان مکتب امام حسین (ع) به شمار می رود زیرا با دستگاه فاسد عباسی ها همکاری نکرد و راه زندان شد و در زندان جان به حق سپرد. شهادت امام حسین (ع) به ما می آموزاند که بیعت به یک دستگاه فاسد و همکاری با یک دستگاه فاسد خلاف موازین اخلاقی و سیاسی اسلام است و ظلم تلقی می شود و از دید قرآن، ظلم برابر به شرک است. اما امروز ما می بینیم که به خاطر زر و سیم و قدرت، شیعه و سنی با نظام های فاسد همکاری می کنند و جالبتر اینکه یک عده از شیعه با نظام فاسد همکاری می کند و اما در روز عاشورا به سینه سینه خود می زند و نوحه می کند. و برای عده زیاد سنی ها این روز، بی اهمیت است. معنی این بی تفاوتی در روز عاشورا یعنی بی تفاوتی در مقابل ظلم، استبداد و فساد و بی تفاوتی برای کسی که در راه آزادی، و عدالت نه تنها یک کشور بلکه امت اسلام که در آن وقت نه شیعه بود و نه سنی و به خاطر ظلم سیاسی و اجتماعی شهید شد. حالا می رویم بالای موضوع نکاح مؤقت. در بالا گفتیم که نزد اهل سنت حرام است و نزد اهل تشیع حلال است. اختلاف نظر اساساً بالای موضوعات تاریخی است که حالا دیگر حادثات خود تاریخ شده است و دوباره تاریخ نه تکرار می شود و نه بازی کنندگان تاریخ حیات دارند تا خود مطالب را استدلال کنند و دیگر تاریخ را تغییر داده نه می توانیم.

واژه های کلیدی: نکاح متعه، صیغه، معینه، کرایه،

مقدمه

دلایل انجام این تحقیق در این نهفته است که شناخت از نکاح مؤقت، چگونگی وقوع این نکاح، شرایط و حالات آن از دیدگاه احکام شریعت اسلامی برای امور عدلی و قضایی و عده بی از سایر بخش های مختلف دستگاه حکومتی و نهادهای خصوصی و محصلان رشته های حقوق و علوم سیاسی و شرعیات و تا اندازه بی به سایر رشته های اجتماعی ضروری پنداشته میشود تا از وجوه و زوایای مختلف، علماً آگاهی داشته باشند، تا بتوانند بصورت علمی و قانونی ابراز نظر نمایند.

ظهور دو مذهب یک واقعیت جامعه شناسی است و نه می توان از آن انکار کرد. امروز هر دو مذهب نه تنها تاریخ را با دید خود می بینند و تاریخ خود را دارد بلکه فقه خود را دارد و حتی تفسیر آیات متفاوت است. علم تاریخ از علوم انسانی است و هر کس برداشت خود را از تاریخ دارد. تفسیر هم به نفع مذهب صورت گرفته است به جای اینکه توحید، عدالت و منطق روزگار مطرح شده باشد. اما نکته جالب که در تاریخ دین اسلام و مسلمانان اتفاق افتاد (بر خلاف توقع امام حسین (ع) این

Corresponding Author:

پوهنیار فضل الرحمن
" حقیر "

- آمردیپارتمنت فقه و قانون
دانشکده شرعیات
دانشگاه البیرونی

است که وقایع تاریخی باعث به وجود آوردن دو فقه اسلامی شد که به جای اتحاد، باعث نفاق شده است در حالیکه قرآن می‌گوید که مسلمانان با هم در دین خواهر و برادرند و قرآن صریحاً نفاق را محکوم میکند و می‌گوید «لا تفرقوا». حالا موضوعات را بدون جانبداری مذهبی بررسی می‌کنیم، در رابطه به این موضوع نویسنده گان و محققان در اطراف و اکناف جهان و افغانستان قلم زده و به صورت همه جانبه زوایای مختلف و انواع آن را به توضیح گرفته اند و آثار بیشماری از ایشان بجا مانده است که شامل کتابها یا یان نامه های دوره های لسانس، ماستری، دکتورا و مقاله های علمی میشود.

در میان این همه تحقیقات بنده با انتخاب مهمترین منابع تحقیقی پیرامون موضوع متذکره تحقیق حاضر را بسر رسانیده ام، تحقیقات قبلاً انجام شده با وصف اینکه همه جانبه، مفصل و عمومی بوده بناءً ایجاب می نمود تا در پرتوشریعت موضوع بررسی شده و مزیت آن را بر سایر تحقیقات نیز درین نقطه می توان ملاحظه نمود بنده تا حدود توانمندی در مورد تلاش نموده امید از آن استفاده صورت گیرد.

هدف: مقصود و منظور از این مقاله علمی و تحقیقی حاضر بیان و معرفی این نکاح (مؤقت) و انواع آن از دیدگاه اهل تسنن و تشیع است که بطور مفصل و شرح و همه جانبه روی آن بحث هاصورت گرفته است. چنانچه بنده در پی اهداف فرعی دیگری هم است که از جمله میتوان از چگونگی و تعاریف رایج نکاح (مؤقت) را نام برده و مورد نظر قرار داده است که در زمره سوالات فرعی تحقیق هم جا داده شده اند.

پیشینه تحقیق:

قبلاً در این عرصه علماء و فقهای کرام در رابطه به این موضوع کتاب های متعددی را تألیف و تدوین نموده اند که واقعاً گنجینه عظیمی از ذخایر علمی و سرمایه معنوی می باشد که به طور نمونه بعضی آنها درینجا ذکر می نمایم:

- 1- **الأنکحة الفاسدة: لشيخ عبد الرحمن بن عبد الرحمن شميلة الأهدل**
- 2- **ابن ماجة: الحافظ ابي عبد الله محمد بن يزيد القزويني (سنن ابن ماجه) 207 - 275 هـ. حقق نصوصه، ورقم كتبه، وابوابه، واحاديثه، وعلق عليه محمد فؤاد عبد الباقي دار الفكر - للطباعة والنشر والتوزيع مصدر الكتاب: موقع يعسوب**
- 3- **بخاری: أبو عبدالله: محمد بن إسماعيل البخاري الجعفي، (صحيح البخاري) الناشر: دار ابن كثير اليمامة بيروت الطبعة الثالثة، 1407 - 1987 تحقيق: د. مصطفى ديب البغا أستاذ الحديث وعلومه في كلية الشريعة - جامعة دمشق**
- 4- **بداية المجتهد: أبو الوليد محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد بن رشد القرطبي الشهير بابن رشد (بداية المجتهد و نهاية المقتصد) الحفيد المتوفى: 595 هـ الناشر: مطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده، مصر الطبعة الرابعة: 1395 هـ/1975 م الترمذي: للامام الحافظ أبي عيسى محمد بن عيسى بن سورة الترمذي (سنن الترمذي) 209 - 279 حققه وصححه عبد الوهاب عبد اللطيف دار الفكر للطباعة والنشر مصدر الكتاب: موقع يعسوب**

5- **الفقه الميسر في ضوء الكتاب والسنة: لمجموعة من المؤلفين الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف سنة الطبع: 1424 هـ**

6- **فقه الأقليات المسلمة (كتاب الأمة) لخالد محمد عبدالقادر الطبعة: العدد: 61 - رمضان 1418 هـ - السنة السابعة عشرة كانون الأول (ديسمبر) 1997 م كانون الثاني (يناير) 1998 م**

7- **فقه الأسرة: لمحمد بن محمد المختار الشنقيطي مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامي**

8- **الفقه على المذاهب الأربعة: لعبد الرحمن الجزيري ب- ت**

9- **الفقه الإسلامي وأدلته: الشامل للأدلة الشرعية والآراء المذهبية وأهم النظريات الفقهية وتحقيق الأحاديث النبوية وتخرجه أ.د. وهبة الزحيلي ب- ت**

10 **مسلم: أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري (صحيح مسلم) الناشر: دار الجيل بيروت + دار الأفق الجديدة - بيروت الطبعة: عدد الأجزاء: ثمانية أجزاء في أربع مجلدات**

11- **مسند أبي يعلى: أحمد بن علي بن المثنى أبو يعلى الموصلي التميمي الناشر: دار المأمون للتراث - دمشق الطبعة الأولى، 1404 - 1984 تحقيق: حسين سليم أسد عدد الأجزاء: 13 المصدر: موقع شبكة مشكاة الإسلامية**

12- **مُصنف ابن أبي شيبة: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة العبسي الكوفي (159 - 235 هـ) تحقيق: محمد عوامة. المصدر: موقع شبكة مشكاة الإسلامية**

13- **نيل الاوطار: للشيخ الامام المجتهد العلامة محمد بن علي بن محمد الشوكاني (نيل الاوطار شرح منتقى الاخيار) المتوفى سنة 1255 هـ - 1973 دار الجيل بيروت - لبنان ص، پ - 8747 المصدر: موقع وزارة الأوقاف المصرية**

14- **الهداية: لبرهان الدين علي بن أبي بكر المرغينان 593 الهداية في شرح بداية المبتدئ هـ**

سوالها:

- 1- **مبنا و مفهوم نکاح مؤقت از دیدگاه فقه اسلامی اهل تسنن و تشیع کدام ها اند؟**
- 2- **دیدگاهها و نظریات علماء در مورد نکاح مؤقت چیست؟**
- 3- **علمای معاصر در رابط به نکاح مؤقت چه فتوی داده اند؟**

فرضیه ها:

- 1- **اگر اشخاص زورمند و صاحب قدرت نکاح مؤقت نماید راه بیرون رفت و جلوگیری ازین عمل چطور و به کدام شیوه امکان پذیر است؟**
- بناءً ایجاب می نماید که علماء و دانشمندان پیرامون آن تحقیق همه جانبه نموده و مسأله را در روشنائی کتاب الله و سنت رسول الله ص موشگاف نمایند تا به یک نتیجه دست یافته و راه حل به آن پیدا شود.
- 2- **اگر مسأله نکاح مؤقت عمل اختلافی است پس چرا درباره آن تحقیق همه جانبه صورت نمی گیرد؟**
- تعریف نکاح مؤقت: این نکاح که در اصطلاح فقها بنام متعه یاد میشود یعنی فایده گرفتن و ازدواج کردن بازن بوده تا از آن چند روز معین فایده بگیرد و بعداً آن را ترک نماید. فیروز آبادی: **قاموس المحيط 86/3** و زمخشری می گوید: این نکاح رابه ابن نام به خا طریاد کرده اند که از آن فایده می گیرد در مقابل آن چیزیکه به آن می دهد بنا بر هر دو معنی پس ماده متعه به معنی تلذذ و انتفاع می باشد زیرا ازدواج نکاح مؤقت ابدی نیست،

بلکه مجرد تلذذ وانتفاع وایشباع غریزه جنسی است، به همین خاطر بنام نکاح متعة یاد میشود. الکشاف: 385/1 وهم چنان اطلاق متعة بالاي متعة الحج هم میشود چنانچه الله متعال می فرماید {فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ} امام قرطبي به نقل از: أبو عمر می گوید: علماء متقدمين ومتأخرين متفق اند که نکاح متعة مؤقت بوده در آن میراث و جوی ندارد و جدایی به ختم مده بدون طلاق واقع می شود.، والفرقة تقع عند انقضاء الأجل من غير طلاق: الجامع لأحكام القرآن 132/5. اهل تسنن به این نظراند که نکاح متعه یا مؤقت در ابتدا اسلام حلال بوده و بعد از آن برای ابد حرام گردید و استدلال می کنند به کتاب الله، سنة، اجماع و عقل

1. کتاب: قوله تعالى { وَالَّذِينَ هُمْ لِأُفْرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (5) إِلَّا عَلَى أَرْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (6) فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (7) } (2) در آیه ذکر زوجه و کنیز آمده است از زنیکه در نکاح مؤقت از آن فایده گرفته میشود نه زوجه است و نه کنیز دلیلکه بر عدم زوجیت دارد این است که تمام لوازم الزوجیت مثل، میراث، عدة، طلاق، نفقة، وامثال آن را می داشت و قتیکه تمام لوازم زوجیت از آن نفي شد پس معلوم شد که آن زوجه نیست زیرا نفي لازم تقاضای نفي ملزوم را بجماع العقلاء می نماید پس واضح شد به این آیه که مبتغی نکاح متعه است که برایش عادیین مجاوزین گفته شده است،

محمد الأمين الشنقيطي: أضواء للبيان 772/5

صاحب نهاییه و معراج در بین نکاح مؤقت و متعه فرق می نمایند در مؤقت لفظ النکاح یا تزویج همراه با لفظ مدت ذکر می گردد و در متعه لفظ أتمتع بك یا أستمتع ذکر میشود و در العنايه فرق دیگری را ذکر مینماید موقت آن است که در حضور شهود باشد و مدت معین در آن ذکر گردد بر خلاف متعه که در آن مدت ذکر نمی گردد تنها گفته میشود که من از تونف می گیرم بحر الرائق شرح كنز الدقائق - الجزء الأول تألیف: زین الدین بن ابراهیم بن محمد الشهير بابن نجيم الحنفي ت: 920 هـ دراسة وتحقیق: احمد عزو عناية دمشقي الناشر: دار احیاء التراث العربی الطبعة الاولى 1422 هـ - 2002 م تحقیق که در فتح القدير شده است به این معنی است که متعة عبارت از عقدي است بالاي يك خانم که در بر ندارد مقاصد عقد النکاح را که عبارت از تقرر فرزند و تربیه آن می باشد بلکه به ختم مدت معینه عقد تمام گردیده وزن خود بخود جدا میشود و نکاح موقت هم از افراد متعه می باشد اگر چه بلفظ تزویج عقد صورت گرفته باشد و شهود هم حاضر باشد، و در هدایة إجماع صحابه بر حرمت آن نقل شده است اگر چه در اول میباح بود اما بعداً منسوخ گردید

2- سنت: بنا بر روایات صحیحی که در کتب احادیث آمده است به تواتر از رسول الله - صلی الله علیه وسلم تحریم آن ثابت شده است. چنانچه در صحیح بخاری این روایات آمده است در باب 32 نهی رسول الله ص عن نکاح المتعة حدیث شماره 4825 حدثنا مالك بن إسماعيل حدثنا ابن عيينة أنه سمع الزهري يقول أخيرني الحسن بن محمد بن علي وأخوه عبد الله عن أبيهما: أن علياً رضي الله عنه قال لابن عباس إن النبي صلى الله عليه وسلم نهى عن المتعة وعن لحوم الحمر الأهلية زمن خبير ج5ص1966

در صحیح بخاری چنین گزارش شده است: «از زهری، از حسن بن محمد بن علی و برادرش عبدالله، از پدر شان، روایت

است که علی ① به ابن عباس گفت: همانا پیامبر ص از متعه و گوشت خران اهلی در زمان فتح خیبر منع کرده است» و در صحیح مسلم در باب 3 باب نکاح المتعة و بیان آنه ابیح ثم نسخ ثم ابیح ثم نسخ واستقر تحریمه إلى يوم القيامة حدیث شماره 1406 (حدثنا محمد بن عبدالله بن نمير حدثنا أبي حدثنا عبدالعزيز بن عمر حدثني الربيع بن سبرة الجهني أن أباه حدثه أنه كان مع رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال يا أيها الناس إني قد كنت أذنت لكم في الاستمتاع من النساء وإن الله قد حرم ذلك إلى يوم القيامة فمن كان عنده منهن شيء فليخل سبيله ولا تأخذوا مما آتيتموهن شيئاً

و هم چنان در مصنف ابن ابی شیبیه آمده است أن علياً قال لابن عباس: أما علمت أن رسول الله صلى الله عليه وسلم نهى عن المتعة وعن لحوم الحمر الأهلية؟ المصنف لابن أبي شيبه باب

3 ج 4 ص 261

و در سنن ابی داود باب فی نکاح المتعة ج1 ص 632 عن ربع بن سبرة عن أبيه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم حرم متعة النساء

و در سنن ابن ماجه باب النهي عن نکاح المتعة ج1 ص 630 عن علي بن أبي طالب أن رسول الله صلى الله عليه وسلم نهى عن متعة النساء يوم خبير وعن لحوم الحمر الإنسية

و در سنن الترمذی باب ما جاء في نکاح المتعة ج2 ص 295 و صحیح ابن حبان ج12 ص 428 عن علي بن أبي طالب (أن النبي صلى الله عليه وسلم نهى عن متعة النساء وعن لحوم الحمر الأهلية زمن خبير)

و هم چنان در مسند ابی یعلی موصلی و احمد بن حنبل و دیگر کتاب های حدیث و فقه روایت شده است سر انجام رسول خدا ص از نکاح متعه منع فرمودند و چیزی را که الله و پیغمبرش مارا از آن منع کند به حرمت آن دلالت می نماید چنانچه الله متعال می فرماید إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ، النحل آیه (90)

نکاح در زمان حضرت رسول کریم ص جایز بود و بعداً منع شده است. در صحیح بخاری این روایات آمده است باب 31 حدیث شماره 5115 در صحیح بخاری چنین گزارش شده است: «از زهری، از حسن بن محمد بن علی و برادرش عبدالله، از پدر شان، روایت است که علی ① به ابن عباس گفت: همانا پیامبر ص از متعه و گوشت خران اهلی در زمان فتح خیبر منع کرده است» در حدیث شماره 5116 متعاقب حدیث اولی میخوانیم که «از شعبه روایت است که ابو جمره گفت: از ابن عباس شنیدم که در باره متعه زنان از وی سؤال شد و او اجازه داد. غلام آزاد شده اش به او گفت: این در حال سختی و کمبود زنان است - یا همچو چیزی گفت - ابن عباس گفت: آری.»

متعاقب این حدیث، نو حدیث که شماره های آن پیهم است یعنی 5117 و 5118 چنین گزارش میدهد «از عمرو، از حسن بن محمد از جابر بن عبدالله و سلمه بن اکوع روایت است که گفته اند: ما در لشکری بودیم، رسول خدا ص نزد ما آمد و فرمود: همانا به شما اجازه داده شده که متعه بکنید، پس متعه کنید» و در حدیث آخری در صحیح بخاری یعنی حدیث شماره 5119 میخوانیم که «از ایاس بن سلمه بن اکوع، از پدرش روایت است که رسول خدا ص فرمود: «هر مرد و زنی که (به نکاح موقت) موافقت کنند، معاشرت زناشویی میان آنها برای سه شب است، پس اگر بخواهند مدت آنرا زیاد کنند یا از یکدیگر جدا شوند» من نمیدانم که این چیزی خاص برای ما (صحابه) بود و یا برای عموم مردم

ابو عبدالله (امام بخاری) گفت: علی³ به روایت از پیامبر ص واضح ساخت که همانا اباحت مُتعه منسوخ شده است» این بود احادیث که در صحیح بخاری روایت شده است.

و نکاح موقت حلال نیست زیرا عدالت بین زن و مرد وقتی که مرد متاهل در سفر می‌رود مراعات نه میشود. اسلام دین عدالت است برای مرد و زن و زن و مرد از نگاه مدنی حقوق مساوی دارند.

اهل تشیع به این نظر است که نکاح موقت جایز و حلال است و استدلال می‌نمایند به موارد ذیل!

1- متعه یعنی نکاح موقت را حلال میدانند و مراتب که در بالا ذکر کردیم دلیل می‌آورند که اهل تسنن گاهی گفته‌اند که حرام است و باز مباح شد و باز نهی شد و باز حلال شد و این موضوع را اهل تسنن پیچیده ساخته است. شیعه اعتقاد دارد که متعه در زمان پیامبر ص روا بود و این حضرت عمر ص خلیفه دوم بود که آنرا مطلقاً منع قرار داد.

2- فقه شیعه بر اساس رهنمودهای کتاب و سنت قائل به صحت دو نوع ازدواج است: "ازدواج دائم" که نیاز به توضیح ندارد، و "ازدواج موقت" یا "متعه" که کیفیت آن به شرح زیر است:

زن و مردی که هیچ مانع شرعی "از نسب و رضاع و غیره" بر سر راه ازدواج آنان وجود ندارد پس از تعیین مهریه، برای مدتی معین با یکدیگر پیوند زناشویی برقرار می‌سازند و پس از انقضای مدت بدون اجرای صیغه طلاق از یکدیگر جدا می‌شوند. ضمناً چنانچه فرزندی از آن دو متولد شد، فرزند شرعی آنان بوده و از هر دو ارث می‌برد. زن نیز پس از انقضای مدت باید عده شرعی نگهدارد و اگر حملی داشته باشد باید تا تولد نوزاد صبر کرده و از ازدواج با شخص دیگر خودداری ورزد.

ازدواج موقت ماهیتاً با ازدواج دائم یکی بوده و کلیه احکامی که بر دومی جاری است بر اولی نیز مترتب است. تفاوت مهمی که بین این دو ازدواج وجود دارد در دو مطلب زیر خلاصه می‌شود:

1 - تعیین مدت در ازدواج موقت

2 - عدم وجود پرداخت نفقه در آن.

چنانچه از این دو مطلب بگذریم تفاوت‌های دیگر آنچنان جزئی است که چندان فاصله ای ایجاد نمی‌کند. از آنجا که اسلام، آئین خاتم و جامع است، برای حل مشکل بحران‌های جنسی چنین طرحی را تجویز کرده است، جوانی را در نظر بگیریم که مشغول تحصیل یا کار است و توانایی ازدواج دائم را هم ندارد. در این صورت ایجاد نکند.

نیست که ازدواج موقت، مخصوص چنین شرایطی است ولی در عین حال چنین مواردی می‌تواند حکمت تشریح این حکم (باشد).

ضمناً باید توجه داشت که فقهای دیگر مذاهب نیز نوعی از ازدواج دائمی را تأیید می‌کنند که واقعیت آن همان ازدواج موقت است و آن این است که زن و مردی بصورت دائم با هم ازدواج می‌کنند ولی یکی از آنان یا هر دو می‌دانند که بایستی پس از مدتی به صورت طلاق از هم جدا شوند. تجویز چنین ازدواجی درست تجویز ازدواج موقت است و فقط در نام آن با آن فرق دارد.

کتاب خدا و سنت پیامبر ص حاکی از مشروعیت ازدواج موقت (متعه) است، قرآن می‌فرماید: *فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً*. هرگاه عقد تمتعی با زنان برقرار کردید مهریه آنان را بپردازید. اکثریت قریب به اتفاق مفسران، نزول این آیه

را مربوط به ازدواج موقت دانسته‌اند. اصولاً در این مطلب که در اسلام چنین ازدواجی تشریح شده، جای هیچ تردیدی نیست. اگر اختلافی باشد درباره منسوخ شدن یا نشدن است. روایت فریقین درین باره مختلف است همه فقهای اهل سنت به این نظراند که منسوخ است اما اهل تشیع آنرا غیر منسوخ می‌دانند. جوانی را در نظر بگیریم که مشغول تحصیل یا کار است و توانایی ازدواج دائم را هم ندارد. در این صورت تکلیف او چیست؟ پیداست که جوان مزبور بایستی یکی از سه راه زیر را برگزیند:

پیداست که در مثال فوق، راه چهارمی وجود ندارد که جوان یاد شده از آن بهره گیرد (البته این به آن معنا

الف - خویشتن داری و محروم ساختن خود از تمتع جنسی.

ب - ایجاد رابطه نامشروع با زنان فاسد و بیمار

ج - استفاده از ازدواج موقت با زنی پاکدامن، تحت شرایط خاصی که در عین رفع مشکل هزینه ای برای او

جلوگیری شده است. از قضا سخن خلیفه نیز حاکی از جواز و رواج متعه در عصر پیامبر ص بوده و می‌رساند که در این منع جز رأی شخصی وی، جهت دیگری در کار نبوده است.

زیرا وی چنین گفت: "أبها الناس ثلاث كن على عهد رسول الله أنا أنهى عنهن و احرمهن و اعاقب عليهن و هي متعه النساء و متعه الحج و هي على فيه العمل" ای مردم سه چیز در زمان رسول خدا معمول بود که من از آنها نهی می‌کنم و هر کس را که مرتکب آنها گردد در عقاب و کيفر قرار می‌دهم، آن سه چیز عبارت است از متعه زنان، متعه حج و حی علی خیر العمل.

گواه روشن بر این مطلب که پیامبر ص از متعه نهی نکرده، این است که بخاری از عمران بن حصین نقل می‌کند که می‌گوید: (آیه متعه در کتاب خدا نازل شده ما هم با رسول خدا به آن عمل نمودیم. هرگز آیه ای در تحریم آن نازل نشد و پیامبر ص از آن نهی نکرد تا در گذشت، آنگاه فردی به رأی خویش درباره آن سخن گفت) مقصود "تحریم متعه توسط خلیفه دوم است.

- این جواب با استفاده از کتاب "عقاید شیعه" اثر آیه الله سبحانی تهیه شده است.

- سوره نساء آیه 24 * *وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ أَجَلَ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا* * و زنان شوهردار (بر شما حرام است)؛ مگر آنها را که (از راه اسارت) مالک شده‌اید؛ (زیرا اسارت آنها در حکم طلاق است)؛ اینها احکامی است که خداوند بر شما مقرر داشته است. اما زنان دیگر غیر از اینها (که گفته شد)، برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید؛ در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید. و زنانی را که متعه [= ازدواج موقت] می‌کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده‌اید. (بعداً می‌توانید با توافق، آن را کم یا زیاد کنید.) خداوند، دانا و حکیم است.

جای خوشبختی است که امروز ما میتوانیم یک عده مطالب را از طریق تارنما(انترنت) جستجو کنیم و اما صحیح بخاری توسط جناب عبدالعلی نور احراری در هفت جلد به فارسی، و توسط دکتر محسن خان در نه جلد به انگلیسی ترجمه شده است که هر دو ترجمه با متن عربی پیشکش خواننده شده است. می‌رویم

دیگری بر تاریخ اسلام، نزدیکان یعنی صحابه کرام رسول خدا محمد ص برتری اجتماعی بر دیگران نداشتند به جز از تقوی. در غیر آن اسلام یک نظام طبقاتی می‌بود و مانند روحانیون عیسویت همه قدرت را عصب می‌کردند و دیگران باید از آن‌ها اطاعت می‌کردند. حدیث فوق نشان می‌دهد که راوی نمی‌دانست ارشاد پیامبر ص برای کی‌ها بوده است و با اینکه شخص از جمله صحابه بوده و اما نمی‌دانست که اسلام برای مردم است نه یک طبقه خاص و بالاخره می‌خوانیم که از علی **1** روایت است که اباحت متعه منسوخ شده است. موضوع نکاح موقت در متون اهل تسنن سؤال بر انگیز است. در پاورقی احادیث صحیح بخاری در مورد نکاح متعه می‌خوانیم که «نکاح متعه، نکاح موقت است که برای مدتی معین عقد می‌شود. این‌گونه نکاح در اوایل اسلام در حالات ضروری جایز بود، سپس منع شد و بار دیگر مباح شد و سپس منع شد. امام نووی گفته است که پیش از واقعه خیبر حلال بود، در روز خیبر حرام شد. بر تحریم آن اجماع صورت گرفت» و در ادامه این پاورقی می‌خوانیم که گفته علی **1** عنه به پاسخ ابن عباس است که میگفت: لا بأس بنکاح المتعه یعنی در نکاح متعه باکی نیست. داکتر یوسف قرضاوی در کتاب حلال و حرام در اسلام می‌نویسد که از ابن عباس در باره نکاح موقت پرسیده شد و او جواب گفت که «در حال ضرورت جائز است، ولی بعداً که دید مردم از فتوای او سوءاستفاده می‌کنند و بدون توجه به ضرورت نکاح متعه را انجام می‌دهند از فتوای خود پشیمان شد». همه میدانند که ابن عباس از بزرگترین مفسرین قرآن مجید بوده است و او بحر از علم و معرفت بود. نه میتوان اعتبار کرد که همچو یک شخصیت فتوی دهد و بعد پشیمان شود. دین یک مسله اعتقادی، اخلاقی و وجدانی است. مردم میتوانند از هر چیز سوء استفاده کنند در صورتی که وجدان خدا پرستی نداشته باشند. برای اینکه بدانیم که آیا در جنگ خیبر متعه حرام شده باشد و به این تحقیق زیاد تر کمک کرده باشیم به دو کتاب تاریخ مشهور اسلام یعنی تاریخ طبری تألیف محمد بن جریر طبری جلد سوم (دوره هفده جلدی با کتاب دنباله و احوال و آثار) و تاریخ کامل تألیف عزالدین ابن اثیر جلد سوم (دوره هفت جلدی) مراجعه کردیم و همچو چیزی نیامده است که متعه در جنگ خیبر حرام شده باشد. پس سخن نووی در پاورقی صحیح بخاری مصداق تاریخی ندارد. همچنان در همین پاورقی آمده است که متعه در غزوه اوطاس مباح شد. درین قسمت هم اختلاف نظر است و به یقین آشکار نیست که در کدام غزوه نهی شده باشد

سراغ احادیث صحیح مسلم که در کتاب زندگینامه حضرت عمر **1** نقل قول شده است. اول: «مسلم روایت می‌کند که سلمه گفت: رسول خدا ص در جریان حمله به اوطاس برای سه روز متعه را اجازه داد و بعد منع فرمود». درین حدیث محل اوطاس از نگاه تاریخ دقیق نیست. دوم از «مسلم روایت است که سبیره گفت: رسول خدا ص برای ما اجازه متعه داد و یک مرد از بنو عامر نزد یک زن رفت که بسیار جوان و زیبا بود و پیشنهاد نکاح متعه را کرد. 8 زن پرسان کرد تو به من چه میدهی؟ من گفتم: شال خود را. همراه من هم گفتم: شال خودش را. شال همراه من، از شال من کرده ظریف‌تر بود اما من از او جوان‌تر بودم. وقتی که زن به سوی شال همراه من دید، خوشش آمد و اما وقتی که به من نگاه کرد، من خوشش آمدم. به من گفت که شال من و خودم برایش کافی است. من همراهی او برای سه روز بودم بعد رسول خدا ص گفت: هر کسی که زنان را متعه کرده است باید رخصت داده شوند» سوم: «سبیره ال جهنی روایت میکند که او با رسول خدا ص بود که گفت: ای مردم من به شما اجازه داده بودم که زنان را متعه کنید اما حالا خداوند آنرا تا روز قیامت منع کرده است. کسانی از شما که متعه کرده‌اند باید رخصت شان کرد و چیزی را که به ایشان داده‌اید دوباره نگیرید». در روایت این حدیث هم از نگاه متن تفاوت‌ها وجود دارد. در اصل متن کلمه متعه نیامده است و هم چنان «چیزی را که به ایشان داده‌اید نگیرید»، معلوم می‌شود که اضافه شده است و یا دو حدیث با هم پیوند داده شده است.

از احادیث بالا به اساس علم تحقیقات چندین مطلب میتواند استخراج شود. اول اینکه در حدیث اول می‌خوانیم که متعه نهی شده است، نه اینکه حرام شده باشد. از نگاه علم زبان‌شناسی عربی یک تفاوت است میان «نهی» و «حرام». در گذشته نوشتیم که حرام کردن تنها حق خداوند است. لطفاً به مضمون این محقق زیر عنوان «حرام کردن حق خداوند است» رجوع کنید. نکاح موقت توسط پیامبر در یک زمان خاص اجازه داده شده است و بعداً نهی شده است نه اینکه حرام شده باشد. این موضوع ما را به مطلب دوم می‌رساند و آن این است که «نهی» شکل موقتی دارد یعنی می‌تواند که آن نهی از میان برداشته شود. و حرام از جانب خداوند است و قطعی است و کسی نه می‌تواند حرام را حلال کند و یا حلال را حرام کند. سوم، قسمیکه در احادیث می‌بینیم متعه در زمان جنگ اجازه داده شده و آن هم برای سه شب مگر در صورتی که طرفین به ادامه آن تمایل داشته باشند. موضوع مهم که ازین احادیث استنباط می‌شود و در راستای تحقیقات فوق‌العاده حائز اهمیت است ثقه بودن روایت است. در حدیث دومی یعنی 5116 راوی روایت میکند و اضافه میکند «یا همچو چیزی گفت». این سبک روایت موقوف حدیث را ضعیف می‌سازد یعنی که راوی متیقن نیست که چه می‌گوید و ابن عباس **1** هم همان سخن مشکوک را آری می‌گوید. در حدیث آخری به وضاحت آمده است که «معاشرت زناشویی میان آنها [زن و مرد] سه شب است، پس اگر بخواهند مدت آنرا زیاد کنند یا از یکدیگر جدا شوند». اینجا می‌بینیم که با اینکه در متعه برای زمان جنگ بوده و حتی سه شب تعیین گردیده است اما اجازه داده شده که اگر می‌خواهند مدت آنرا زیاد کنند، اختیار دارند. کلمه «زیاد» درین جا انتهایی است و مقید نیست. بار دوم می‌بینیم که راوی می‌گوید [سه شب] برای ما (صحابه بود) و یا عموم مردم. قرآن کتاب مردم است و محمد ص پیشوای مردم. در اسلام شیعه و سنی معتقد است که در اسلام خداوند مردم را تنها به تقوی می‌شناسد نه امری

دیگری بر تاریخ اسلام، نزدیکان یعنی صحابه کرام رسول خدا محمد ص برتری اجتماعی بر دیگران نداشتند به جز از تقوی. در غیر آن اسلام یک نظام طبقاتی می‌بود و مانند روحانیون عیسویت همه قدرت را عصب می‌کردند و دیگران باید از آن‌ها اطاعت می‌کردند. حدیث فوق نشان می‌دهد که راوی نمی‌دانست ارشاد پیامبر ص برای کی‌ها بوده است و با اینکه شخص از جمله صحابه بوده و اما نمی‌دانست که اسلام برای مردم است نه یک طبقه خاص و بالاخره می‌خوانیم که از علی **1** روایت است که اباحت متعه منسوخ شده است. موضوع نکاح موقت در متون اهل تسنن سؤال بر انگیز است. در پاورقی احادیث صحیح بخاری در مورد نکاح متعه می‌خوانیم که «نکاح متعه، نکاح موقت است که برای مدتی معین عقد می‌شود. این‌گونه نکاح در اوایل اسلام در حالات ضروری جایز بود، سپس منع شد و بار دیگر مباح شد و سپس منع شد. امام نووی گفته است که پیش از واقعه خیبر حلال بود، در روز خیبر حرام شد. بر تحریم آن اجماع صورت گرفت» و در ادامه این پاورقی می‌خوانیم که گفته علی **1** عنه به پاسخ ابن عباس است که میگفت: لا بأس بنکاح المتعه یعنی در نکاح متعه باکی نیست. داکتر یوسف قرضاوی در کتاب حلال و حرام در اسلام می‌نویسد که از ابن عباس در باره نکاح موقت پرسیده شد و او جواب گفت که «در حال ضرورت جائز است، ولی بعداً که دید مردم از فتوای او سوءاستفاده می‌کنند و بدون توجه به ضرورت نکاح متعه را انجام می‌دهند از فتوای خود پشیمان شد». همه میدانند که ابن عباس از بزرگترین مفسرین قرآن مجید بوده است و او بحر از علم و معرفت بود. نه میتوان اعتبار کرد که همچو یک شخصیت فتوی دهد و بعد پشیمان شود. دین یک مسله اعتقادی، اخلاقی و وجدانی است. مردم میتوانند از هر چیز سوء استفاده کنند در صورتی که وجدان خدا پرستی نداشته باشند. برای اینکه بدانیم که آیا در جنگ خیبر متعه حرام شده باشد و به این تحقیق زیاد تر کمک کرده باشیم به دو کتاب تاریخ مشهور اسلام یعنی تاریخ طبری تألیف محمد بن جریر طبری جلد سوم (دوره هفده جلدی با کتاب دنباله و احوال و آثار) و تاریخ کامل تألیف عزالدین ابن اثیر جلد سوم (دوره هفت جلدی) مراجعه کردیم و همچو چیزی نیامده است که متعه در جنگ خیبر حرام شده باشد. پس سخن نووی در پاورقی صحیح بخاری مصداق تاریخی ندارد. همچنان در همین پاورقی آمده است که متعه در غزوه اوطاس مباح شد. درین قسمت هم اختلاف نظر است و به یقین آشکار نیست که در کدام غزوه نهی شده باشد

درین جای شک نیست که موضوع متعه در زمان حضرت عمر **1** بطور شدید منع ساخته شد بطوریکه جزای متعه را سنگسار تعیین کرده بود. تمام سخن درین جاست که حضرت عمر **1** به رأی خود این ممانعت را نکرده است مگر به استناد احادیث که در دست داشته و صوابدید آن زمان را مد نظر گرفته است. مؤلف «ائین ما» که بحث مفصل در مورد نکاح متعه دارد می‌نویسد «خلیفه دوم بعقیده خود روی مصالح خاصی که اوضاع و احوال آن محیط و آن روز ایجاب میکرد نکاح موقت را تحریم نمود و این تحریم «تحریم قانونی و عرفی بود» نه تحریم شرعی و دینی، لذا این جمله بطور متواتر از او نقل شده است: متعتان کانتا علی عهد رسول الله و انا احرمهما و اعاقب علیهما [یعنی] در دوران رسول خدا ص دو «متعه» حلال بود و من آن‌ها را تحریم میکنم و هرکس مخالفت کند مجازات خواهد نمود، متعه حج «حج تمتع» و متعه زنان. درین بخش مؤلف و عالم شیعه اعتراف عادلانه میکند که تحریم

قانونی و عرفی بوده است و نظر به ایجاب زمان صورت گرفته است زیرا حضرت عمر **۱** متوجه شده بود که مردم ازین روش پیامبر ص سوءاستفاده میکردند. اما مدقق کتاب «آئین ما» جناب آیه الله ناصر مکارم شیرازی که مدقق تفسیر نمونه هم است در پاورقی کتاب «آئین ما» صفحه 269 بطور اصلاح آمیز و بطور یادگانی و یا شاید مغرضانه می نویسد «توجیه مؤلف عالیقدر نسبت بکار خلیفه دوم یک توجیه بزرگوارانه و توأم با خوش بینی زیاد و اغماض از بعضی جوانب مطلب است، ولی در اینجا یک احتمال دیگر هم هست که شاید با ظاهر حدیثی که از خلیفه دوم نقل شده سازگارتر باشد و آن اینکه طرز تفکر خلیفه در باره احکام و مقررات اسلام آنچنان که ما امروز داریم نبوده است، گویا او همه احکام را ابدی نمیدانست و معتقد بوده لاقلاً قسمتی از احکام و مقررات اسلامی تابع وضع زمان و اقتضای محیط است که میتوان آنرا عوض نمود، لذا میگوید: در زمان پیغمبر خدا ص حکم چنین بوده و من آنرا تغییر داده و چنان میگویم: بدیهی است این طرز تفکر با ابدیت احکام و مقررات اسلام سازگار نیست، و موضوع «وحي» را در ردیف افکار معمولی قرار میدهد، و عملاً پیغمبر ص و احکام و دستور های او را محدود بزمان و مکان و شرائط خاصی میکند. آیا هیچیک از دانشمندان امروز اسلام میتوانند با این طرز تفکر موافقت نمایند؟!» اول به جواب جناب آیه الله ناصر مکارم شیرازی مینگارم که شما مدقق تفسیر نمونه هستید و فراموش کردید که در شروع تفسیر نمونه از ابن عباس **۱** نقل قول شده است که «القرآن یفسر الزمان» یعنی قرآن نظر به زمان که زندگی می کنیم تفسیر می شود. و شما علمای گرامی اهل تشیع ابن عباس **۱** را «حبر الامة» لقب داده اید. پس چطور که درین مورد که قرآن نظر به زمان تفسیر می شود، او را انکار می کنید؟ مطلب دوم که جناب شان من حیث یک عالم دین انکار کرده اند و اهل تسنن هم نه میخواهند اعتراف کنند و انکار میکنند این است که سنت رسول الله ص مقید به زمان و مکان است و ابدی نیست. «سنت» یعنی روش زندگی رسول خدا ص با شتر سفر میکرد و این یک نوع سنت بود و آیا حالا شما با شتر سفر میکنید؟ رسول خدا ص دندان خود را مسواک میکرد. آیا شما از مسواک که سنت است استفاده میکنید و یا کریم (خمیر دندان)؟ سوم مطلب که جناب شان که آیه الله هم هستند فراموش کردند که خلفای راشدین همه شان سنت های خود را داشتند به شمول حضرت علی **۱** و همه نظر به ایجاب زمان و مکان شان و تصامیم خود شان بوده است. طور مثال این سنت علی **۱** است که در مهمانی ها اول به زنان و کودکان غذا تعارف شود. اما حدیث یعنی گفتار پیامبر ص مقید به زمان و مکان نیست و ابدی است. طور مثال «آموختن علم برای مرد و زن و فرض است». این حدیث تا جهان باقی است پایدار است. دوم مطلب که درین بحث قابل یاد آوری است این است که حدیث باید به نص قرآن تطابق داده باشد و اما سنت اگر به نص قرآن تطابق ندارد درست است زیرا قرآن برای ابد نازل شده است و یک هدایت جاودانی است و برای هر عصر تفسیر می شود و اما سنت برای هر عصر نیست و روش زندگی تغییر میکند. اینکه اهل تشیع حضرت عمر **۱** را ملامت میکنند حق به جانب نیستند زیرا او نظر به ایجابات عصر خود عمل میکرد و در عدالت بی همتا بود و از همین سبب لقب «فاروق» برایش داده اند.

مناقشه

از آنجاییکه بنده پیرامون این موضوع بحث و مطالعه نمودم و کتب و مقالات دیگری که در رابطه به این موضوع نگارش یافته بود بررسی کردم در یافتیم که همه علماء اهل تسنن و حتی بعضی از علماء اهل تشیع از جمله مرحوم حجت الاسلام سید محمد انور واتق واعظ زاده که از علمای روشن ضمیر اهل تشیع بوده و جزئی ترین تعصب مذهبی نداشته، روزی از مرحومی در مورد نکاح متعه پرسیده شد و مرحومی اظهار داشت که در شرایط امروز جنبه عملی درجهان ندارد. یک عده بانوان شیعه که مذهب خود را دوست دارند و معتقد به مناسک مذهبی شان هستند مخالف متعه هستند و اظهار کردند که یک نوع استفاده جویی از زن است. به هر حال اهل تشیع متعه را برای جلوگیری از فساد اخلاقی و عمل زنا راه حل میدانند و در کتاب «آئین ما» چنین می نگارند: «آیا از روزی که انسان خود را شناخته مسأله مسافرت و دوری از وطن یکی از ضروریات زندگی او نبوده است؟ همان مسافرتی که گاهی به منظور تجارت، و زمانی برای تحصیل علم و گاهی برای مقاصد دفاعی و نظامی و یا گردش و تفریح و مانند آن انجام میگردد، آیا ضرورت اینگونه سفرها قابل انکار است؟»

دوم: اینکه متعه در زمان رسول کریم ص نظر به ضرورت در ابتدا روا بوده است و بعداً نهی شده است و اما حرام گفته نشده است. کلمه حرام توسط علماء بعداً به کار برده شده است.

سوم: «سبیره از جهنی روایت میکند که او با رسول خدا ص بود که گفت: ای مردم من به شما اجازه داده بودم که زنان را متعه کنید اما حالا خداوند آنرا تا روز قیامت منع کرده است. کسانی از شما که متعه کرده اند باید رخصت شان کرد و چیزی را که به ایشان داده اید دوباره نگیرید». در روایت این حدیث هم از نگاه متن تفاوتها وجود دارد. در اصل متن کلمه متعه نیامده است و هم چنان «چیزی را که به ایشان داده اید نگیرید»، معلوم می شود که اضافه شده است و یا دو حدیث با هم پیوند داده شده است. و می رویم سراغ احادیث صحیح مسلم که در کتاب زندگینامه حضرت عمر **۱** نقل قول شده است. از «مسلم روایت است که سبیره گفت: رسول خدا ص برای ما اجازه متعه داد و یک مرد از بنو عامر نزد یک زن رفت که بسیار جوان و زیبا بود و پیشنهاد نکاح متعه را کرد. زن پرسان کرد تو به من چه میدهی؟ من گفتم: شال خود را. همراه من هم گفتم: شال خودش را. شال همراه من، از شال من کرده ظریفتر بود اما من از او جوان تر بودم. وقتی که زن به سوی شال همراه من دید، خوشش آمد و اما وقتی که به من نگاه کرد، من خوشش آمدم. به من گفت که شال من و خودم برایش کافی است. من همراهی او برای سه روز بودم بعد رسول خدا ص گفت: هر کسی که زنان را متعه کرده است باید رخصت داده شوند»

سؤال من از مؤلف گرانقدر «آئین ما» این است که شما بسیار بجا فرمودید و اما مرد که سفر میکند و همسرش در خانه تنها می باشد و شما به مرد اجازه میدهید که در سفر نکاح موقت کند، پس زن که در خانه تنها مانده است آیا اجازه دارد که او هم در غیاب شوهرش یک مرد را موقتاً نکاح کند؟ مگر قرآن نگفته است که مرد و زن را از «نفس واحد» آفریدیم. مگر زن نفس ندارد؟ تنها مردان نفس دارند؟ این جاست که متعه به عدالت خداوندی سازگار نیست و یک راه حل یکطرفه است. وهم چنان در حدیث مسلم واضح معلوم میشود که اول اجازه داد بعد منع فرمود

و هم چنان در جواب شما باید گفت که این یک اشتباه است که شما می گوئید که متعه را عمر **۱** و علماء حرام کرده است زیرا که

حرام کردن تنها حق خداوند است دیگر اینکه شما می گوئید که در حدیث لفظ حرام ذکر نشده است در حالی که در حدیث دیگر به لفظ صریح حرام آمده است فقال ص یا ایها الناس انی قد کنت اُنت لکم فی الاستمتاع من النساء وإن الله قد حرم ذلك إلى یوم القیامة فمن کان عنده منهن شیء فلیخل سبیله ولا تأخذوا مما آتیتموهن شیئا.

در بین صحابه دانستیم که یگانه شخص که مخالفت به متعه نداشت حضرت ابن عباس ❶ بود و تا زمان حضرت ابوبکر صدیق ❶ متعه دوام یافت. سؤال این است که چرا حضرت ابوبکر صدیق ❶ آنرا منع نکرد؟ جواب اول این است که او فکر میکرد که پیامبر ص اجازه داده است پس خاموش بود و جواب دوم از نگاه مسلک جامعه شناسی همین می تواند بوده باشد که در زمان حضرت عمر ❶ مردم زیاد تر آرام شده بودند ، غنایم جنگی به مدینه مخصوصاً از خراسان سرزیر شده بود و مردم از شکم سیری آهسته آهسته به فساد اخلاقی رو آورده بودند چنانچه خود حضرت عمر ❶ در کوچه ها شبانه پاسبانی میکرد تا مردم عمل خلاف شرع و اخلاق انجام ندهند. حضرت عمر ❶ چون دید مردم ازین عمل سوء استفاده میکنند آنرا به استناد احادیث که میدانست ملغی قرار داد. جای خوشبختی است که امروز ما میتوانیم یک عده مطالب را از طریق تارنما(انترنت) جستجو کنیم و اما صحیح بخاری توسط جناب عبدالعلی نور احراری در هفت جلد به فارسی ، و توسط دکتر محسن خان در نه جلد به انگلیسی ترجمه شده است که هر دو ترجمه با متن عربی پیشکش خواننده شده است. سر انجام رسول خدا ص از نکاح مُتعه منع فرمودند و چیزی را که الله و پیغمبرش مارا از آن منع کند به حرمت آن دلالت می نماید چنانچه الله متعال می فرماید إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرٍ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ ، النحل آیه (90)

بنابراین از مناقشه دلایل جانبین بدون تعصب گفته میتوانیم که نظر علماء اهل تسنن راجح بوده نظریه دلایل شان که برای ما از کتاب، سنت، اجماع و عقل تقدیم نموده اند.

نتیجه گیری و سفارشات

بنا بر آنچه گفته شد می توانم چنین نتیجه بگیریم که این عمل(نکاح مؤقت) که در بالای آن بحث صورت گرفت و به طور فشرده آن را به معرفی گرفتیم در ابتدا اسلام نظریه مصلحت از طرف شارع اجازه داده شده بود اما بعد از آن منع فرمود که همه علماء اهل سنت و جماعت و بعض علماء تشیع به همین نظر اند و نظر به دلایل فوق آن را حرام و فاعل آن را مستحق مجازات می دانند زیرا این عمل راه را به فساد اخلاقی و فحشاء بازمی نماید وزن بی سرنوشت میگردد و عدالت بین زن و مرد تحقق نمی یابد وقتی که مرد متأهل در سفر می رود مراعات نه میشود. اسلام دین عدالت است مرد و زن از نگاه مدنی حقوق مساوی دارند و مقاصد عقد النکاح را که عبارت از تقرر فرزند و تربیه آن می باشد توسط این نکاح از بین می رود بلکه به ختم مدت معینه عقد تمام گردیده وزن خود بخود جدا میشود و نکاح مؤقت هم از افراد متعه می باشد اگر چه بلفظ تزویج عقد صورت گرفته باشد و شهود هم حاضر باشد ، و در هدایه اجماع صحابه بر حرمت آن نقل شده است اگر چه در اول میباح بود اما بعداً منسوخ گردید

سفارش بنده این است که انسان های ابوالهوس اولاً از الله عزوجل بترسند به خاطر خواهشات نفسانی خود آیات و احادیث را تابع

خود نساخته و از حدیث مفهوم درست بگیرند و هم چنان ناسخ و منسوخ را شناسایی نمایند تا در اشتباه قرار نگیرند زیرا که احادیث وارده در نکاح مؤقت همه منسوخ شده اند و کسانی که استدلال به رأی ابن عباس میکنند که او جایز می داند در اشتباه قرار گرفته اند زیرا که بعد از معلوم شدن حدیث از قول خود رجوع نموده است بناً اجماع همه صحابه کرام می باشد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم:

- 1- ابو داود : للحافظ سليمان بن الأشعث السجستاني (سنن ابي داود) المتوفى سنة 275 هـ تحقيق وتعليق سعيد محمد اللهم طبعة جديدة منقحة ومفهرسة دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع
- 2- الأئحة الفاسدة : لشيخ عبد الرحمن بن عبد الرحمن شميلة الأهدل ب - ت
- 3- أصل الشيعة وأصولها : تأليف الامام المصلح الشيخ محمد الحسين آل كاشف الغطاء 1373 المتوفى سنة 1373 هـ تحقيق علاء آل جعفر مؤسسة الإمام علي (عليه السلام)
- 4- الاصول من الكافي: 0 تأليف ثقة الاسلام أبي جعفر محمد بن يعقوب بن اسحاق الكليني الرازي رحمه الله ج 5 - ص 54 المتوفى سنة 328 / 329 هـ صححه وعلق عليه علي أكبر الغفاري نهض بمشروعه الشيخ محمد الاخوندی الناشر دار الكتب الإسلامية مرتضى آخوندی تهران - بازار سلطاني الجزء الاول الطبعة الثالثة (1388)
- 5- بخاری : أبي عبد الله محمد بن اسماعيل بن ابراهيم ابن المغيرة بن بردزبه البخاري الجعفي (صحيح البخاري) 1407 - 1987 دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع الناشر : دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت الطبعة الثالثة ،
- 6- بداية المجتهد : أبو الوليد محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد بن رشد القرطبي الشهير بابن رشد الحفيد (بداية المجتهد و نهاية المقتصد) 1395 هـ/ 1975 م (المتوفى : 595 هـ) الناشر : مطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده، مصر الطبعة : الرابعة، مصدر الكتاب : موقع مكتبة المدينة الرقمية
- 7- بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار: ج 98 - ص 237 تأليف الشيخ محمد باقر المجلسي مؤسسة الوفاء بيروت - لبنان كافة الحقوق محفوظة ومسجلة الطبعة الثانية المصححة 1403 هـ - 1983 م مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان - صرب: 1457 - هاتف: 386868، 103. والموقع الأصل هو: مكتبة يعسوب الدين
- 8- الترمذي: الحافظ أبي عيسى، محمد بن عيسى بن سورة 209 - 279 (الجامع الصحيح، سنن الترمذي) لناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت تحقيق : أحمد محمد شاكر وآخرون
- 9- تهذيب الأحكام للطوسي: ج 7 ص 460 مصدر الكتاب : موقع يعسوب http://www.yasoob.com [ترقيم الكتاب موافق للمطبوع]
- 10- خلاصة الأيجاز في المتعة : تأليف الامام الشيخ المفيد محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم ابي عبد الله العكبري البغدادي ص 47 (336 - 413 هـ) تحقيق علي أكبر زماني نژاد-
- 11- الدمشقي، الصالحي، الحنبلي: الشيخ الإمام القدوة العلامة المجتهد شيخ الإسلام موفق الدين، أبو محمد، عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة المقدسي ، المغنى ابن قدامة، دارالكتب علمية، بيروت، المتوفى سنة 620

12- رسالة المتعة: الشيخ المفيد - ص 8 - 9 مصدر الكتاب :
موقع يعسوب <http://www.yasooob.com> [ترقيم الكتاب
موافق للمطبوع]

13- الرَحِيلِي: أ.د. وَهْبَة، أستاذ ورئيس قسم الفقه الإسلامي
وأصوله، بجامعة دمشق - كَلِيَّة الشَّرِيعَة الفقه الإسلامي وادلته :
الطَّبعة الرَّابِعة، المَنقَّحة، المعدَّلة، بالنَّسبة لما سبقها، وهي الطَّبعة
الثَّانية عشرة لما تقدَّمها من طبعات مصوَّرة؛ لأنَّ الدَّار النَّاشِرة
دار الفكر بدمشق **14- شمس الدين أبي الفرج:** عبد الرحمن بن
الشيخ الامام العالم العامل الزاهد أبي عمر محمد بن أحمد بن
قدامة المقدسي) الشرح الكبير على متن المقنع * المتوفي سنة
682

15- الشوكاني: ا لشيخ الامام المجتهد، العلامة الرباني قاضي
قضاة القطر، اليماني، محمد بن علي ابن محمد، المتوفى سنة
1255 هـ - 1973 نيل الأوطار من أحاديث سيد الأخيار، شرح
منتقى الأخبار، دار الجيل بيروت - لبنان ص، ب - 8747
الناشر: إدارة الطباعة المنيرية

16- شرح أصول الكافي : مولي محمد صالح المازندراني - ج
12 - ص 408 المتوفى 1081 هـ مع تعاليق الميرزا أبو الحسن
الشعراني المجلد الحادي عشر

17- الفقه الميسر في ضوء الكتاب والسنة : لمجموعة من
المؤلفين الناشر : مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف سنة
الطبع : 1424 هـ عدد الأجزاء :

18- الفيروزآبادي الشيرازي: القاموس المحيط: للعالم العلامة
الحبر البحرالفهامة الشيخ مجد الدين محمد بن يعقوب موقع
يعسوب

19- عقائد الإمامية : الشيخ محمد رضا المظفر - ص 74
20- مسلم: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري
صحيح مسلم الناشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت تحقيق
محمد فؤاد عبد الباقي المصدر: موقع شبكة مشكاة الإسلامية

21- مسند أحمد بن حنبل : أحمد بن حنبل أبو عبدالله
الشيباني 1420 هـ ، 1999 م الناشر : مؤسسة قرطبة - القاهرة
المحقق : شعيب الأرنؤوط وآخرون الناشر : مؤسسة الرسالة
الطبعة : الثانية عدد الأجزاء : 50 (45+5 فهارس). مصدر
الكتاب : موقع الإسلام

22- مجلة الشرايع: العدد 684 السنة الرابعة، الصفحة 4 انظر
موقع المجلة على الأنترنت: www.alshiraa.com

23- النسائي: أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائي الناشر :
دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة الأولى ، 1411 - 1991
سنن النسائي الكبرى تحقيق : د.عبد الغفار سليمان البنداري , سيد
كسروي حسن عدد الأجزاء : 6